

تحلیل مردم‌شناختی ضرب‌المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها

* دکتر حسین آقاجانی

** سوده جعفرزاده

چکیده

ضرب‌المثل‌ها از اندام‌های اصلی و اساسی هر زبان و یکی از کهن‌ترین تراوش‌های ذهن و اندیشه نیاکان ماست که ریشه در آداب و سنن ملی و قومی جامعه دارد و بدون شک گردآوری، مطالعه و بررسی آن از دیدگاه نماد و نشانه‌شناسی، یکی از راه‌های شکوفایی حیات فرهنگی و هنری یک سرزمین و کشف مفاهیم مشترک و تشابهات بین فرهنگی است. این مقاله گزارشی است از یک پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی که ضرب‌المثل‌های رایج در کرمان را با تکیه بر نماد و نشانه‌شناسی تحلیل کرده و نمادهای به کار رفته در این امثال را که نشان‌دهنده فرهنگ و ارزش‌های این دیار است؛ روشن می‌سازد. لذا از میان هزار ضرب‌المثل گردآوریده از کتاب امثال فارسی در گویش کرمان، ۵۸ نماد را برگزیده‌ایم تا به طبقه بندی و تحلیل آن‌ها بپردازیم و انعکاس آن‌ها را در مثل‌ها نشان دهیم. در روش نشانه‌شناختی از الگوی نشانه‌ای سوسور استفاده کرده و هر ضرب‌المثل را به عنوان واحد

✽ عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

a – marsal333@yahoo.com

soodeh_jaafarzadeh@yahoo.com

✽ کارشناس ارشد مردم‌شناسی

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۶۸

تجزیه و تحلیل انتخاب نموده ایم. اهمیت و لزوم مطالعه ضرب المثل‌های شهر کرمان ارائه راهکارهای علمی در نحوه ثبت و ضبط، گردآوری، طبقه بندی و بررسی علمی و آکادمیکی آنهاست. در واقع ضرب المثلها عناصر فرهنگی زنده به شمار میروند که هنوز در زندگی مردم عامی کارکرد ویژه ای دارند. این بررسی نشان می‌دهد که بیشترین نمادهای به کار رفته در ضرب المثل‌های کرمان مربوط به حیوانات، طبیعت، اشیا و موضوعات ساده و ملموس و پر رواج می‌باشد. علت به کارگیری وافر نمادهای حیوانی در مثل‌ها، یکی استفاده زیاد جمعیت روستایی از چهارپایان به اقتضای شغل شان و دیگری آشنایی همه اقشار مردم با حیوانات و بار معنایی آنهاست و علت استفاده زیاد از نمادهای طبیعت، شرایط سخت و دشوار زندگی در دیار کرمان و هنر مردمان این دیار در رام ساختن و استفاده از این عناصر است.

واژه های کلیدی: ضرب المثل، نماد، نشانه، اسطوره، باورها.

مقدمه

فرهنگ عامه^۱ هر کشور یا منطقه حاصل اندیشه، تجربه و دانش پیشینیان آنهاست که در سینه‌ها به حیات خود ادامه داده و به یادگار تقدیم نسل‌های بعد می‌شود. با توجه به اینکه تکامل شخصیت و رشد فرهنگی هر فرد، تأثیر پذیری مستقیم از محیط فرهنگی پیرامونش دارد و از سوی دیگر برای مطالعه و شناخت احوال و روحیات مردم هر کشور هیچ ابزاری سودمندتر از بررسی فرهنگ عامه وجود ندارد، توجه به امثال و حکم که بخشی از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهد، می‌تواند یار و مددکار انسان شناسان در این عرصه باشد.

آشنایی با فرهنگ جوامع می‌تواند ضمن نزدیک کردن این روابط انسانی، شناخت ریشه‌های فرهنگی و روحیات اقوام ملل دیگر را نیز به دنبال داشته باشد. یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای عملی کردن این نیت، مقایسه آن فرهنگها و شناخت نقاط تشابه و تمایز آنهاست. از این رو مطالعه و تحلیل ضرب المثل‌های یک قوم بر پایه علم نماد و نشانه شناسی می‌تواند یکی از راه‌های شناخت تشابهات بین فرهنگی باشد چرا که در بسیاری از فرهنگها معانی نهفته در نمادها یکسان بوده و این خود بیانگر اشتراکات فرهنگی است. علاوه بر این، این گونه مطالعات فرهنگی به شناخت بهتر آن سرزمین و درک عمیق تر فرهنگ آنها و همچنین پربارتر کردن آن نیز منتهی خواهد شد.

طرح مسئله

ضرب المثل‌ها نقطه اتصال ادب رسمی به ادب شفاهی است زیرا در مثل‌ها تمام ویژگی‌های ادبی از قبیل وزن و آهنگ، صور خیال، استعاره و تشبیه، ایجاز و اختصار دیده می‌شود. معانی و مفاهیم مجازی و استعاره‌ای که در امثال به کار رفته در واقع به منزله صحنه‌های نمایش می‌ماند که گویی مردم با آداب و رسوم و خلیقات خویش غم و شادی، پندارها و خرافات و عقاید خود را در آن بر روی صحنه می‌آورند از طرفی بررسی و

1. Folklore

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۷۰

مطالعه نماد و نشانه‌ها یکی از شیوه‌های تفسیری جهت تحلیل متن است و از طریق مطالعه و تئوریزه کردن نشانه در پی مطالعه معنی است. این حوزه پژوهشی «سعی در تجزیه و تحلیل کدهایی دارد که در متن یا ژانر نهفته است و هدف این نوع تجزیه و تحلیل کشف رمز و روشن و مشخص کردن ارزش‌ها، هنجارها، نقطه نظرها و اعتقاداتی است که بعضاً حمایت و یا بنابراین شرایط سرکوب می‌شوند. لازم به ذکر است که معنی را نمی‌توان جدا از موضوع انسانی که آنرا تعریف می‌کند و مورد استفاده قرار می‌دهد و از سیستم فرهنگی که به وجود آورنده آن است، مورد مطالعه قرار داد.

پس ژرف نگری در هنر، امور، مسائل و عقاید و سنن فرهنگی و اجتماعی پیشینیان که خاص خود آنان و ویژه زمان و مکان آنها بوده، می‌تواند در عصر پر تغییر دانش و تکنولوژی پیشرفته معاصر، تأثیری انکارناپذیر در افکار و اذهان و توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی جامعه داشته باشد. از این رو، بررسی و تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌ها با تکیه بر نماد و نشانه‌ها، یکی از راه‌های شکوفایی حیات فرهنگی و شناخت دقیق آفرینش‌های ادبی و هنری یک ملت و کشف مفاهیم مشترک و تشابهات بین فرهنگی است.

پیشینه پژوهش

مثل رشته مخصوصی از ادبیات هر زبان است و بعضی آن را قدیمی‌ترین اثر ادبی محسوب می‌دارند که از فکر انسان تراوش کرده است. (ستوده، ۱۳۷۵: ۲۲۴-۲۲۳)

نخستین کسی که امثال را در کتابی خاص گرد آورده و غرض خود را از تالیف کتاب، جمع آوری امثال ذکر کرده «محمدعلی حبله رودی» است. او در این زمینه دو اثر دارد. کتاب «مجمع الامثال» را در سال ۱۰۴۹ هجری قمری و کتاب دیگر «جامع التمثیل» یا «مجمع التمثیل» را به سال ۱۰۵۴ هجری قمری یعنی پنج سال پس از «مجمع الامثال» فراهم آورده است. (معین الدینی، ۱۳۸۱: ۲۲)

سابقه مطالعات در زمینه ضرب المثل در کرمان

یکی از نخستین کوشش‌هایی که توسط خارجیان برای جمع آوری فرهنگ عامه در

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۷۱

کرمان انجام گرفته، جمع آوری اشعار و داستان‌های مردم کرمان و نواحی آن و ضبط زبان و

لهجه‌های ایشان به وسیله د. ل. لریمر^۱ انگلیسی است. کتاب او به نام «افسانه‌های ایرانی» در سال ۱۹۱۹ میلادی در لندن چاپ شد. این کتاب در ایران به نام «فرهنگ مردم کرمان» به کوشش فریدون وهمن به فارسی برگردانده شده است (ستوده، ۱۳۷۵: ۲۶۴). شادروان «کوهی کرمانی» یکی دیگر از پیشگامان گردآوری افسانه‌ها و ترانه‌های روستایی کرمان است. کتاب دیگر «داستان نامه بهمنیاری» تألیف احمد بهمنیار می‌باشد که حاوی چند هزار مثل و تمثیل است که قسمت اعظم آن را استاد از زبان مردم کرمان شنیده و جمع آوری کرده است. این کتاب به کوشش فریدون بهمنیار طبع شده است.

سابقه مطالعات در زمینه نماد و نشانه

اگر در پژوهش‌های خود نشانه‌شناسی را به عنوان روش تحلیل یا صرفاً رویکردی نظری در نظر بگیریم، پیشینه‌ای که به خود اختصاص می‌دهد متفاوت خواهد بود. باید به تاکید گفت که نشانه‌شناسی به مثابه روش علمی و منطقی، سابقه‌ای طولانی دارد و هر چند

مقولله‌های بنیادین آن کمتر با دقت و ریزینی به قاعده بندی منطقی و کلامی درآمده است اما پیشینه‌اش به نخستین جوانه‌های پیدایی خردورزی علمی و فلسفی می‌رسد. که به طور معمول در سنت یونانی قرار می‌گیرد. (احمدی، ۱۳۷۱: ۷۱۶)

همان طور که اشاره شد کار بر روی ضرب المثل‌های فارسی و تا حدودی ضرب المثل‌های رایج در گویش کرمان پیشینه‌ای طولانی دارد. کتاب شناسی ضرب المثل‌ها، (ذوالفقاری، ۱۳۸۵) فهرست جامعی از ۳۵۰ کتاب و ۱۰۵ مقاله را که از جنبه‌های مختلف به مطالعات توصیفی و تطبیقی ضرب المثل‌های فارسی پرداخته‌اند ارائه می‌کند. اما هیچ کدام از کتب و مقالات فهرست شده به طور خاص به بررسی ضرب المثل‌ها از دیدگاه نماد و

1. D.L. Lorimer

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۷۲

نشانه‌شناسی نپرداخته‌اند. لذا تحقیق پیش رو اولین مورد پژوهش در این زمینه خاص می‌باشد.

چهارچوب نظری

در این پژوهش از دو مکتب کارکردگرایی و اشاعه‌گرایی استفاده شده است. مفهوم کارکرد در علوم اجتماعی را می‌توان هم در یک منطق ریاضی تابعیت جست و هم در یک مکانیسم ارگانیک زیستی. در این چهارچوب، کارکرد درون خود دو اصل اساسی را جای می‌دهد: اصل جامعیت (کل‌گرایی) و اصل سودمندی^۱. منظور از اصل جامعیت آن است که هر پدیده اجتماعی به عنوان «جزئی» در نظر گرفته می‌شود که درون یک «محیط» کل قرار می‌گیرد و در رابطه با این کل تحلیل می‌شود و منظور از اصل سودمندی آن است که هر پدیده اجتماعی باید دارای نوعی تاثیرگذاری باشد و به نوعی به نیازی در جامعه‌ای که در آن به وجود آمده است، پاسخ گوید. اصل سودمندی پاسخی به این سوال است: هر چیزی به چه کاری می‌آید؟ طبعاً در این جا فرض بر آن است که هر چیزی که وجود دارد باید به کاری هم بیاید. این اصل را «ضرورت کارکردی» نام داده‌اند. (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۵۸)

اشاعه‌گرایی تغییر را عمدتاً ناشی از تاثیر پذیری از محیطی بیرونی میدانند که به نوعی از خلال همجواری یا انتقال و حرکت پدیده‌های فرهنگ مبدا را به محیط فرهنگ مقصد رسانده است. تحلیل اشاعه‌گرا اولویت را به بعد جغرافیا می‌دهد؛ یعنی به حرکت پدیده‌های فرهنگی بر روی پهنه‌های جغرافیایی. با وجود این، اولویت جغرافیایی را نباید به معنای نادیده انگاشتن بعد تاریخی در تحلیل اشاعه‌گرا دانست. در واقع حرکت اشاعه‌گرا در آن واحد و همواره بر روی دو محور حرکت می‌کند: از یک سو بر محور جغرافیایی، که در این حالت آثار آن در محدوده‌های جغرافیایی تعقیب می‌شود، و از سوی دیگر بر محور زمان که در این صورت حرکت از خلال تاریخ گذاری و تعیین عمر پدیده‌ها مشخص می‌گردد. (همان: ۱۴۴).

1. utility

تعاریف و جامعه مورد مطالعه

ضرب المثل^۱: فرهنگ ضرب المثل‌های فارسی، ضرب المثل را جمله ای می‌داند زبانه‌زد گروهی از مردم در دوره ای از زمان که دلالت بر مفهومی عام دارد و سازنده اصلی و نخستین آن ناشناخته است. (دهگان، ۱۳۸۳: ۸)

نماد^۲: «نماد مصداق عینی یا تصویری است که با مصداق یا تصویر دیگر در یک رابطه مبتنی بر شباهت قرار گرفته باشد، از این لحاظ نماد دارای یک رابطه ی دو سویه است و در جریان این ارتباط متقابل است که نماد زاییده می‌شود» (مهرگان، ۱۳۸۵: ۱۴۲).
نشانه^۳: عموماً متفکران نشانه را «یک واحد معنا دار در نظر می‌گیرند که به عنوان اشاره گر بر چیزی جز خودش تفسیر می‌شود.» (چندلر، ۱۳۸۶: ۳۲۷).

جامعه مورد مطالعه: مجموعه ای از ضرب المثل‌های شهر کرمان است که در حال حاضر بر سر زبان‌ها بوده و جز فرهنگ عامه به شمار می‌روند. استان کرمان، پهناورترین استان کشور با مساحت ۱۸۱/۷۱۴ کیلومتر مربع در جنوب شرقی فلات مرکزی قرار گرفته است. این استان مرتفع در حد شمالی با استان‌های خراسان جنوبی و یزد، در حد جنوبی با استان هرمزگان، در حد شرقی با استان سیستان و بلوچستان و در حد غربی با استان فارس همجوار می‌باشد. مرکز استان کرمان شهر تاریخی کرمان است که با آسمانی صاف و زلال، بر بلندای کویر لوت قرار گرفته است. (زنده دل، ۱۳۷۷: ۲۷)

پرسشهای تحقیق

بررسی ضرب المثل‌ها چه به اعتبار جایگاه آن در ادب رسمی و چه ادب شفاهی، از آن رو مهم است که مثل‌ها حکمت‌های تجربی مردم و آیین فرهنگ، آرا، هنجارها، طرز زندگی، محاسبات، منش و خلق و خوی و دیگر مؤلفه‌های هویتی آنان است. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق چنین خواهد بود:

- نقش نمادها و نشانه‌ها در ضرب المثل‌های شهر کرمان و فرهنگ عامه این دیار

1. Proverb

2. Symbol

3. Sign

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۷۴

چیست؟

و سؤالات فرعی عبارتند از:

- چه گروهی از نمادها بیشترین سهم را در ضرب المثل‌های شهر کرمان دارد؟
- آیا با بررسی نماد و نشانه‌ها در ضرب المثل‌ها می‌توان به خطوط اشاعه و اشتراکات فرهنگی پی برد؟

- آیا ضرب المثل‌ها به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای کارکرد هستند؟

روش شناسی

روشها و ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق از روشهای زیر برای کسب اطلاعات استفاده شده است:

روش کتابخانه ای و اسنادی

- روش نشانه شناختی: در این پژوهش از الگوی نشانه ای سوسور تأثیر گرفتیم. سوسور نشانه را یک کل میداند که از ترکیب دال و مدلول به وجود می آید. دال فرم و شکل نشانه و مدلول محتوا است. وی معتقد است که معنا از رابطه دال و مدلول بیرون میاید و برای مطالعه و بررسی معانی باید نشانه را در متن بررسی کرد یعنی به شرایط تاریخی و فرهنگی نظامی که نشانه در آن قرار دارد توجه کرد. (سجودی، ۱۳۸۳: ۲۴)
- روش مصاحبه باز و غیر رسمی: مصاحبه هایی که در این تحقیق استفاده شده به صورت یک جلسه پرسش و پاسخ بود که طی آن تلاش بر آن بود تا شخص پرسش شونده بدون دخالت مصاحبه گر به تشریح دریافت و برداشت خود از نمادها پردازد و از آن جایی که مبحث نماد و نشانه شناسی از درجه انتزاعی بالایی برخوردار است این روش باعث شد تا آنچه را که مردم محلی مهم می انگارند به پژوهشگر گوشزد شود.
- روش تجزیه و تحلیل داده ها: روش تحلیل محتوا است. بدین صورت که هر ضربالمثل به عنوان واحد تجزیه و تحلیل انتخاب و بر اساس نمادهای مورد نظر درونمایه و مضامین امثال مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته های پژوهش

قبل از پرداختن به معانی نمادها در ضرب المثل‌های کرمان به توضیح اقسام مثل در کرمان میپردازیم. احمد ابریشمی در مقدمه کتاب «فرهنگ نوین مثل‌های فارسی رایج در کرمان» مثل‌های کرمانی را به سه گروه تقسیم کرده است:

گروه اول: مثل‌های محلی کرمان که نشان مشخص آن به کار رفتن واژه‌های محلی کرمان در آن است. مانند: «بونی به ناسار، رختی به نپه» و «تُرش بالا به آفتابه می‌گه دو کُتو».

گروه دوم: مثل‌هایی است که واژه‌های محلی ندارند، اما در هیچ فرهنگ دیگری هم ضبط نشده‌اند. مانند: «ایقه دارم غم توشه که عاشقی توش فراموشه».

گروه سوم: مثل‌هایی که در تمام نقاط ایران رایج است و طبعاً در کرمان هم رواج دارد، مانند: «احمدک ملا نمی‌رفت، بردنش» و «دیوانه را دنگی بس است». (ابریشمی، ۱۳۷۷: ۱۵-۱۴).

در این پژوهش نمادها را به چهار گروه تقسیم کرده ایم: نمادهای مربوط به طبیعت، نمادهای مربوط به حیوانات، نمادهای مربوط به اعضا بدن انسان و نمادهای مربوط به اشیا ملموس که در ادامه به توضیح هر یک میپردازیم.

۱- نمادهای مربوط به طبیعت:

۱-۱- «آب»^۱

معانی نمادین آب را می‌توان در سه مضمون اصلی خلاصه کرد:

چشمه حیات، وسیله تزکیه و مرکز زندگی دوباره. این سه مضمون در قدیمی‌ترین سنت‌ها متلاقی می‌شوند و ترکیبات تخیلی گوناگون و در عین حال هماهنگی را شکل می‌دهند. (شوالیه و گبران، ۱۳۷۸: ۳).

آبها حل میکنند، برمی‌اندازند، پاک می‌سازند، «می‌شویند» و از نو پدید می‌آورند، آب‌ها تداعی کننده رطوبت، حرکت دورانی خون و شیر حیات هستند و با خشکی و

¹. Water/Eau

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۷۶

ایستایی مرگ در تضادند. آبها احیاکننده و دمنده ی زندگی تازه‌اند به همین دلیل تعمیم با آب یا خون در مذاهب مرتبط با راز آشنایی زندگی کهن داشته و زندگی نو را مطهر می‌سازد. آب به صورت باران، یعنی نیروی لقاح ایزد آسمانی یعنی باروری. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱).

در فرهنگ اسلامی: آب یعنی شفقت؛ معرفت باطنی؛ تطهیر؛ زندگی، آب به شکل باران یا چشمه هم به معنی مکاشفه الهی و حقیقت است و آب در باور مردم مسلمان ایران مهریه حضرت زهرا (س) است. (همان، ۳-۲)

برطبق باورهای اساطیری ایرانیان باستان، آب در گاهنبار دوم از گاهنبارهای شش گانه آفرینش آفریده شده است و زمان آفرینش آن میانه تیر ماه بوده است. (سالمی فیه، ۱۳۸۷: ۱۶۳). «آناهیتا» نیز به عنوان ایزد بانوی آب و باروری و پاکیزگی، بارها و به مناسبت‌های مختلف ستوده و تکریم شده است. نام کامل این فرشته «اردویسورآناهیتا^۱» بوده است و معنای این نام رود توانای پاکیزه یا آب های نیرومند بی آرایش است.. آناهیتا، فرشته نگهبان آب است. بخشی از «آبان یشت» که یکی از بلندترین یشتهای اوستاست، به توصیف و ستایش آناهیتا اختصاص یافته است. در ایران باستان در آبان روز از ماه آبان که روز دهم آبان ماه بود جشنی سرورآمیز برپای می‌داشتند که آن را به «آبانگان» می‌نامیدند و در طی این جشن یکی از مراسم مهم نوشیدن شراب فراوان بوده است. (همان : ۱۷۸-۱۶۷). نماد «آب» بیشترین سهم فراوانی را در ضرب المثل‌های کرمانی دارد (۵۰٪). (معین الدینی، ۱۳۸۱: ۱۲۳) و این به دلیل شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان کرمان می‌باشد که «آب» در این دیار بسیار ارزشمند است و همین دلیل بیشترین کاربرد و رواج آن در ضرب المثل‌های کرمانی است.

- آب رفته وه جو ورنمی‌گرده. (بقایی، ۱۳۸۱: ۲۸)

/âbe rafte və ju var nemigarde/

- آب رفته به جوی برنمی‌گردد.

معنی: فرصتی که از دست رفت به دست نمی‌آید و معادل ضرب المثل «روز رفته

¹. Ardivisura Nahita

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۷۷

برنمی‌گردد» است. در این جا، آب نماد عمر و گذر زمان است. (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۸: ۱۸) و بیانگر این نکته است که عمر و فرصتهای زندگی مانند آب جاری در جوی گذراست و فرصتها گاهی تکرار نشدنی‌اند.

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی
حاصل از حیات ای جان، این دم است تا
دانی

(حافظ، دیوان، ۴۶۴)

۱-۲- آتش / شعله^۱

در خط تصویر نگار هیروگلیف، آتش به نمادپردازی خورشید و زبانه ی آتش مربوط می‌شود و به ویژه با مفاهیم زندگی و سلامتی (برگرفته از نظریه دمای بدن)، ارتباط می‌یابد. آتش با مفاهیم برتری جویی و مهار کردن نیز درآمیخته است و نشان می‌دهد که در آن روزگار [رواج هیروگلیف] آتش نماد نیروهای معنوی بوده است. ویلهم مینهارت^۲ عقیده دارد که جشن‌های آتش دارای معنایی جادویی و تقلیدی و برای اطمینان از این مسئله است که نور و گرما از سوی خورشید است. از سوی دیگر، «یوجین موگ»^۳ و «ادوارد وستر مارک»^۴ برآنند که این مراسم دارای اهداف تطهیر و نابود سازی نیروهای شیطانی است. به هر حال این دو نظریه نه تنها متناقض نیستند که مکمل یکدیگرند. به گفته الیاده^۵ «در اساطیر، رویاها و رازها»^۶، گذشتن از آتش، نماد تعالی حالات انسانی است. (سرلو، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۹۹)

آتش نماد استحاله؛ تطهیر؛ نیروی زندگی بخش و مولد خورشید؛ تجدید حیات؛

بارورسازی؛ نیرو؛ قدرت؛ انرژی؛ انرژی ناپیدایی هستی؛ نیروی جنسی؛ حمایت یا حفاظت؛ عینیت؛ ویرانی؛ گداختگی؛ رنج؛ ذبح؛ گذر یا تبدیل از مرحله ای به مرحله ی دیگر؛ واسطه انتقال پیام‌ها یا فدیها به آسمان است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۶-۴).

1. Fire/ Flame/ Feu
2. Wilhelm Manhardt
3. Eugene Mogk
4. Edward Westermarck
5. Eliade
6. Myths, Dreams and Mysteries

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۷۸

آتش نماد و نشانی ایرانی است. در تمام ادیان نیز آتش نماد و نشانه‌ای از خداوند است و مانند عدد هفت در میان همه مردم جهان مشترک است. در آیین زرتشت، مهر نیز آتش مقدس بود و به آن «ولکان» می‌گفتند و شیر نماد آتش بود. در عرفان و تصوف نیز که سال‌های در ایران پس از اسلام رواج داشت آتش نمادی از دانش و معرفت بود. واژه «آتش» در اوستا به صورت «اتر» و در زبان پهلوی به صورت «آتور» و «آتر» و «آتش» و در زبان پارسی به صورت «آذر» و در گویش‌های گوناگون آن به صورت‌های «آتش» و «آویش»، «تش» و شکل‌های کم و بیش نزدیک به این صورت‌ها آمده و ثبت و ضبط شده است.

در آیین مزدیسنا، چنین آمده است که زرتشت نگاه دارنده و پاس دارنده آتش جاودانی بوده است. اوستا پنج گونه آتش را نام برده است و بر هر یک درود مخصوص فرستاده است. (سالمی‌فیه، ۱۳۸۷: ۷۸-۶۹).

- هر کسی آتش رو کُلو خودش می‌کُنه. (ابریشمی، ۱۳۷۷: ۲۷)

/har kesi âteš ru kolu xodeš mikone/

- هر کسی آتش روی کلوی خودش می‌کند.

معنی: منظور از مثل این است که هر کسی برای پیش بردن مقاصد خویش، منافع خود را بر دیگران مقدم می‌دارد. در این مثل، آتش نماد حرکت و فعالیت است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۴).

کار حق بر طاق نیسان مانده، در کار خود
است

هر که را دیدیم در عالم گرفتار خود
است

هرکسی را روی در تعمیر دیوار خود است
(صائب، کلیات، ۲۴۹)

خضر آسوده است از تعمیر دیوار یتیم

۲- نمادهای مربوط به حیوانات

۱. کُلو: در گویش کرمان، نانی است که در کماجدان می‌پزند.

۲-۱- الاغ/خر^۱

خر، نماد خشوع، بردباری، صلح، حماقت؛ خودرایی، هرزگی و باروری است (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۲۵). این حیوان را بعضی از فرهنگ‌ها، نماد جهل و خریّت دانسته‌اند اما این امر موردی استثنایی و ثانوی از مفهومی کلیتر است. در واقع الاغ، تقریباً در سراسر جهان نشانه‌ی ظلم‌انیت و حتی گرایش‌های شیطانی است. در هند، الاغ مرکب خدایان مشوم و منحوس است به خصوص مرکب نائیرته، نگهبان قلمرو مردگان است. (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۸: ۲۲۱-۲۲۰). الاغ در بین نمادهای مربوط به حیوانات در ضرب المثل‌های کرمانی فراوانی (۲۴٪) را داراست (معین الدینی، ۱۳۸۱: ۱۲۳). و به دلیل اینکه این حیوان قدرت سازگاری با شرایط اقلیمی کرمان را داشته و در کارهای کشاورزی و حفر قنات و چاه آب به مردم کمک می‌کرده به صورت وافر در امثال کرمانی تکرار شده است.

- خر همون خِره، پالونش عوض شیده (بقایی، ۱۳۸۱: ۱۶۵).

/Xar hamun xəre pāluneš avaz šəde/

- خر همان خر است، پالانش عوض شده.

معنی: به مزاح لباس نو پوشیده یا به استهزاء، صاحب مقام و مرتبی بلند شده است.

در اینجا، الاغ نماد حماقت و جهل است.

خَبَرْدو همان قدر دارد که هست

و گر در میان شقایق نشست

نه منعم به مال از کسی بهتر است

خر ار جُلّ اطلس بپوشد خر است

(سعدی، بوستان، ۱۰۶)

۲-۲- شتر^۲

شتر عموماً به عنوان نماد کم خوراکی و کم آشامی ملحوظ می‌شود و با وجود حالت پر ادعا و ناراضی اش مظهر قناعت به شمار آمده است. سرزمین آسیا به خاطر عبور کاروان‌های طولانی شترها از وسط بیابان هایش، اغلب با شتر تصویر شده است (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

1. Ane/ Ass, Donkey

2. Chameau/ Camel

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۸۰
(۴۰).

شتر از جهت روایات، ارتباط پیچیده‌ای با اژدها و مارهای بالدار دارد؛ زیرا بر بنیاد گفته زوهر مار در باغ عدن گونه‌ای شتر بوده که پرواز می‌کرده است. اشاره‌هایی از این دست در کتاب زند اوستای ایرانیان نیز دیده می‌شود. (سرلوی ۱۳۸۹: ۵۲۰). با این همه، شتر قبل از هر چیز مرکبی است برای عبور از بیابان و به برکت آن می‌توان به مرکز ناپیدا بینی جوهر الهی رسید. این یار بیابان‌ها، وسیله‌ای است که از واحه به واحه می‌رود. شاهان مغ، سوار بر شتر به آخوری که مسیح در آن ولادت یافت وارد شدند. (شوالیه و گریبان ۱۳۷۸: ۴۱). شتر بعد از الاغ بیشترین سهم فراوانی را در امثال کرمان به خود اختصاص داده است (۷/۱). (معین الدینی، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

اُشتر که آدور^۱ خواس، گردنشه دراز می‌کُنه. (بقایی، ۱۳۸۱: ۱۷۲)
/Oštor ke âdur xâs, gardeneše derâz mikone/
- شتر که خار خواست، گردنش را دراز می‌کند.

معنی: برای دست‌یابی به چیزی باید تلاش کرد و بدون کوشش و تلاش کاری مسیر نیست. معادل مثل «گنج بی رنج میسر نمی‌شود» و «از تو حرکت از خدا برکت» است. در این مثل شتر نماد موجودی است بسیار قانع، که با این وجود برای رسیدن به هدفش تلاش می‌کند. (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۸: ۴۰).

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
(سعدی، کلیات، ۷۹۸)

۳- نمادهای مربوط به اعضا بدن

۳-۱- دست^۲

دست یکی از نمادی‌ترین اعضای بدن است. به گفته ارسطو، دست، «ابزار ابزارهاست».

۱. آدور: خار

2. Main/ Hand

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۸۱

«دستها مظهر نیرو؛ قدرت؛ مشیت الهی و نعمت هستند. دست خدا نیروی الهی؛

حفاظت و عدالت است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۵۵)

در تعویذهای مسلمانان، دست شکل‌های گوناگون را داراست یا همراه نمادهای دیگر ظاهر می‌شود، مثلاً همراه ستاره، کبوتر، پرنده، بادبزن، خطوط ماریچ یا دایره، بر روی هم تشکیل علایمی را می‌دهد که قابل مقایسه با نشانه‌های مسیحیت در مغرب زمین است. (سرلوی، ۱۳۸۹: ۴۰۲). دست بیانگر مفاهیم و فعالیت و در عین حال نشانگر قدرت و استیلاست. در زبان‌های خاور دور اصطلاحاتی چون دست گذاشتن یا دست برداشتن به معنی شروع یا ختم کار است. دست علامتی شاهانه است و سیله‌ی حکمرانی و نشانه استیلا. (شوالیه و گرابران، ۱۳۷۹: ۲۲۱-۲۲۰).

در فرهنگ اسلامی دست یعنی برکت؛ بخشش و تیمارداری. (همان: ۱۵۶)

به زغم «گرگوریس» اهل نیسا، دست انسان مرتبط با آگاهی و بصیرت است، زیرا دستها هم برای حاضر جوابی زبانی خاص دارند. او در رساله خود در باب خلقت انسان می‌گوید: «دستها برای زبان و گویش، کمک خاصی است. آنکه در هنگام سخن گفتن به درستی از دستها استفاده می‌کند، طبیعتی خردمندانه دارد و هرگز خطا نخواهد گفت چرا که حرکت دستها باعث می‌شوند سخنان به خوبی درک و فهم شوند: استفاده از دستها نشانه حضور خرد است در بیان کلمات و به ترتیبی تاکید بر صدا و حرکات دست در سخن شفاهی به معنای یک مکتوب فکر شده است. (Grec, 1944:107). در میان ضرب المثل‌های کرمانی که موضوع تمثیل در آنها اعضای بدن انسان است بیشترین فراوانی مربوط است به عضو دست با فراوانی (۲۵/۷٪). (معین الدینی، ۱۳۸۱: ۱۲۳)

- دَس سه تَنَّا صِدا نِداره. (بقایی، ۱۳۸۱: ۹۸)

/dasse tanâ sedâ nedâre/

دست تنها صدا نِداره.

معنی: در کار تعاون لازم است و با اتفاق، کامیابی حاصل می‌شود. معادل مثل «یک

دست صدا نِدارد.»

در این جا، دست نماد انسان است.

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۸۲

بر نمی‌خیزد صدا از دست چون تنها دست دادن نفس را امداد شیطان کردن است
بود

(صائب، کلیات، ۱۷۹)

۲-۳- چشم^۱

به طور کلی، چشم، نماد علم مطلق، خدای بصیر و قوه‌ی شهود است. چشم نماد خدایان خورشید است و خورشید نیروی باروری و زندگی بخش آن‌هاست. چشم مظهر دروازه‌ی شمسی است که قابلیت دستیابی به لاهوت را ممکن می‌سازد. «چشم دل» کمال روحانی، تنویر و شهود عقلانی است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

کلمه «عین» در سنت اسلام علاوه بر چشم به معنی تمامیتی خاص، چشمه یا جوهر نیز هست. به هویت تام یک شی در عرفان و الهیات با کلمه «عین» اشاره شده است. طبق نظریه عرفا و فلاسفه اسلامی و با رنگی از فلسفه نوافلاطونی جهانیان تا ابد در ذات باری به سر می‌برند؛ این عقاید جاودانه با نظریات و الگوهای ازلی افلاطون ارتباط دارد و مثل دو چشم است. (شوالیه و گبران، ۱۳۷۹: ۵۱۷-۵۱۶)

در فرهنگ ایرانی شبان خوب، یمه^۲، دارای چشم خورشیدی است و راز بی مرگی را نگه می‌دارد. و در آیین هندو چشم سوم شیوا^۳، مرواریدی در میان پیشانی، مظهر بصیرت معنوی و خرد متعالی است. و خورشید، چشم «ورونا»^۴ است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۱۳). سهم فراوانی نماد چشم در میان امثال کرمانی (۹/۷٪) می‌باشد که پس از نماد دست بیشترین سهم را داراست. (معین‌الدینی، ۱۳۸۱: ۱۲۳)

- کاری که چشم می‌کند، ابرو نمی‌کند. (بقایی، ۱۳۸۱: ۲۵۱)

/kâri ke češ mikone, abru nemikone/

کاری که چشم می‌کند، ابرو نمی‌کند.

معنی: از هر کس کاری ساخته است و کار دشوار را به خردان و نابخردان نباید فرمود.

1. Oceil/ Eye

2. Yama

3. Siva

4. Varuna

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۸۳

این مثل در تعارف و تکریم هم به کار می‌رود و معادل مثل: «از هر کسی کار ساخته است». در این مثل، چشم نماد قدرت بصیرت و علم به کاری است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۱۲)

۴- نمادهای مربوط به اشیا ملموس:

۴-۱-آینه^۱

آینه، نماد حقیقت، خودشناسی؛ خرد؛ فکر و جان است. «همچنین نماد انعکاس ماوراءطبیعت و عقل الهی؛ سطح شفاف و درخشان حقیقت الهی؛ عقل اعلا که در خورشید، ماه و ستارگان انعکاس یافته است. انعکاس در آینه یعنی جهان مادی و ظاهری و همچنین معرفت انسان نسبت به خودش. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۱).

آینه بازتاب هوش یا کلام الهی است که آن را چون نماد ظهور نشان می‌دهد که بازتابندهی خرد خلاق است. همچنین نماداندیشه الهی است که مظهریت را منعکس می‌کند، مظهریت را که به صورت خودش خلق کرده است (...). این هوش ملکوتی که به وسیله آینه منعکس می‌شود، از نظر نمادین، همذات با خورشید است: از اینجاست که آینه اغلب نمادی خورشیدی فرض می‌شود. اما در عین حال نمادی قمری است، چرا که ماه مانند آینه، بازتابنده ی نور خورشید است. (شوالیه و گربران، ۱۳۷۸: ۳۲۶-۳۲۵). آینه در وجوه مختلف خود، مضمونی ممتاز در فلسفه و عرفان اسلامی می‌یابد که ملهم از فلسفه نو افلاطونی است. در عرفان اسلامی، آینه نماد خودشناسی است.

وجه مینوی آینه، همان وحشتی است که به خودشناسی منتهی می‌گردد، و در داستان صوفی طاووس آمده است. به عقیده متصوفه، تمامی کیهان مجموعه آینه‌هایی است که در آن ذات حق، به اشکال مختلف نمایانده می‌شود و به درجات مختلف اشعه ذات یکتا را باز می‌تاباند. آینه‌ها نماد امکاناتی هستند که ذات خداوند در اختیار دارد تا متجلی شود امکاناتی منبعث از فضیلت بی‌منتهاش، این است مفهوم اصلی آینه.

(همان، ۳۳۳-۳۲۹). آینه در فرهنگ ایرانی، نماد زندگی و کردار آدمی است. آینه و

کتاب مقدس قرآن، همواره در کنار یکدیگرند. که امروزه نیز می‌بینیم آینه و قرآن نزد

1. Mirror

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۸۴

زوج‌های جوان ایرانی نخستین و نمادی ترین جزء ورود به زندگی جدید و محل زندگی جدیدشان است. (سالمی فیه، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

- آینه خودتِه گم کردی. (بقایی، ۱۳۷۰: ۷۸)

/âyene xodete gom kerdi/

- آینه خود را گم کرده‌ای.

معنی: عیب خودت را نمی‌بینی و به دیگران ایراد می‌گیری و معادل مثل: "کور خود است و بینای مردم."

در اینجا آینه نماد حقیقت و خودشناسی است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۱) و تصویر یک موجود به مثابه یک آینه در معرض دریافت تأثیراتی از الگوی خویشتن است و انسان مطابق موضعی که اتخاذ کرده، همانند یک آینه زیبایی یا زشتی را بازمی‌تابد.

هنر دیگران ندیدن عیب دیدن عیب خویشتن هنر است

(صائب، کلیات، ۲۶۲)

۴-۲- چراغ^۱:

چراغ نماد اعمال نیک؛ زندگی؛ هدایت؛ عقل؛ فرزنگی؛ بی مرگی؛ ستارگان و نور

است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۱۰)

نمادگرایی چراغ به تابش نور بستگی دارد. نحله باطنی اسماعیلیه، تعلیم می‌دهد که نور، چراغ را به جلوه می‌آورد: چراغ هم خداست و هم نور و نور صفت خداوندی است که در امام متجلی می‌شود.

همچنین شیخ محمود شبستری، چراغ را نماد ذات الهی (الروح) یا روح جهان می‌داند. در مراسم و آیین‌ها، استفاده از چراغ بسیار رواج دارد. در این آیین‌ها چراغ به عنوان علامت حضور واقعی خداوند تعبیر می‌شود. بر نوک پاگودهای بودایی یا در فانوس‌های دریایی؛ یا برای احضار ارواح در آیین باستانی و در غرفه‌های انجمن خفیه ی چینی افروختن چراغ باعث می‌شد که غلط از درست تمیز داده شود؛ چراغ یادآور تجلی اثرات آسمانی است. (شوالیه و گربان، ۱۳۷۹: ۴۹۴-۴۹۳)

1. Lamp

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۸۵

– چراغی که وه خونه روايه، وه مسجت حرومه. (بقایي، ۱۳۸۱: ۹۵)
/čerâqi ke və xune rəvâye və masčet harume/

– چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.

معنی: رفع نیاز از خانواده و بستگان مقدم است بر رفع نیاز و کمک به اجتماع.

در این جا چراغ، نماد اعمال نیک است. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۱۰)

اگر دانی که نان دادن ثواب است تو خود میخور که بغدادت خراب است

(مکتبی)، (دهخدا، ۱۳۷۹: ۳۱۶)

نتیجه گیری

ضرب المثل ها از جمله زیباترین ماندگارهای تاریخ به شمار می روند. وجود مثل ها، و به کار گرفتن آن‌ها در نوشتار و گفتار به کلام زیبایی خاصی می بخشد و گاه بیانی طولانی و خسته کننده را در نهایت اختصار و ظرافت عرضه می دارد.

محقق بعد از تحقیق به روش کتابخانه ای و اسنادی و روش نشانه شناختی به این نتیجه رسید که بیشتر نمادهای بکار رفته در ضرب المثل‌های کرمانی مربوط به حیوانات، طبیعت، اشیا و موضوعات ساده و ملموس و پر رواج می باشد. علت به کارگیری وافر نمادهای حیوانی در مثل ها یکی استفاده زیاد جمعیت روستایی از چهار پایان به اقتضای شغل شان و دیگر، آشنایی همه اقشار مردم با حیوانات و بار معنایی آن هاست. از نمادهای حیوانی بیشتر برای بیان مفاهیمی مانند آداب معاشرت، خیانت، داد و ستد و هم نشینی و غیره استفاده شده است و علت استفاده زیاد از نمادهای طبیعت در ضرب المثل ها شرایط سخت و دشوار زندگی در دیار کرمان و هنر مردمان این دیار در رام ساختن و استفاده از این عناصر است و به همین دلیل نمادهای مربوط به طبیعت در تعداد بی شماری از مثل‌های کرمانی به کار گرفته شده است. واژه هایی مانند: آب، درخت، باد، سنگ و غیره نمونه هایی از این نمادها هستند.

یکسانی نمادهای به کار رفته در ضرب المثل‌های کرمانی با ضرب المثل‌های رایج در

بقیه نقاط ایران و گاهی یکسانی این نمادها در فرهنگ دیگر نقاط دنیا نشان می‌دهد که نیاکان ما ایرانیان در شرایط تقریباً مشابهی می‌زیسته‌اند. این گونه همانندی‌ها و شباهت‌ها، نشان دهنده تجانس و همگنی فرهنگی اسلاف ماست و بیانگر این واقعیت است که افکار، عقاید، احساسات، عواطف و تجارب زندگی اجتماعی آن‌ها پایه تقریباً همسانی دارد و این خود محکم‌ترین سند وحدت ملی و دلیل قاطع بر پیوستگی و همبستگی ملی ماست. در واقع ضرب المثلها عناصر فرهنگی زنده به شمار می‌روند که هنوز در زندگی مردم عامی کارکرد ویژه‌ای دارند. ضرب المثل‌ها از نظر کارکرد اجتماعی مانند عرف جامعه، بیانگر رفتار بهنجار و ارزش‌های اجتماعی هستند که مردم آن‌ها را پذیرفته‌اند. ضرب المثل‌ها صرفاً بیانگر کنش‌های رفتاری و ارزش‌های اجتماعی خاص مورد قبول جامعه‌اند. از این رو، ضرب المثل‌های هر جامعه در عمل، رفتارهای بهنجار آن را نشان می‌دهد و معرف جهان بینی و بینش هر جامعه‌اند.

علاوه بر این، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثر ضرب المثل‌ها از چند کلمه تجاوز نمی‌کند ولی در همین چند کلمه دریایی از معانی و مفاهیم نهفته است. در حقیقت آن‌ها جملات کوتاه و کلمات قصاری هستند که در بیان مفاهیم ذهنی گوینده و نویسنده را یاری می‌دهد و هر جا پای استدلال ضعیف شود به یاری متکلم می‌شتابند. از سوی دیگر، طبق بررسی انجام شده در رابطه با فراوانی ضرب المثل‌ها در زمینه نمادهای گوناگون در ۱۵۵ ضرب المثلی که موضوع تمثیل در آنها حیوانات می‌باشد، بیشترین فراوانی مربوط است به الاغ (۲۴/۷٪) و سپس به ترتیب، شتر (۷/۱٪)، گربه (۷/۱٪)، گاو (۶/۱٪)، اسب (۳/۵٪)، شغال (۲/۶٪)، خروس (۲٪)، کلاغ (۱/۵٪)، شیر (۱/۵٪)، خرس (۱/۵٪)، ماهی (۰/۵٪) و پلنگ (۰/۵٪). در ۱۴۴ ضرب المثلی که موضوع تمثیل اعضای بدن انسان است، بیشترین فراوانی مربوط است به عضو دست (۲۵/۷٪) و پس از آن، چشم (۹/۷٪)، سر (۸/۳٪)، پا (۷/۶٪) و زبان (۵/۶٪).

در ۱۰۶ ضرب المثلی که اسامی غذاها و آشامیدنی‌ها مورد تمثیل می‌باشد بیشترین فراوانی مربوط به آب است با (۵۰٪) و نان (۱۸/۸٪). (معین الدینی، ۱۳۸۱: ۱۲۳)

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۸۷

لازم به ذکر است که نماد «آب» بیشترین سهم فراوانی را در ضرب المثل‌های کرمانی دارد و این به دلیل شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان کرمان می‌باشد که «آب» در این دیار بسیار ارزشمند است و همین دلیل بیشترین کاربرد و رواج آن در ضرب المثل‌های کرمانی است. بعد از نماد «آب» نمادهای حیوانی به ترتیب "الغ"، "شتر" و "گاو" و "اسب" دارای بیشترین کاربرد هستند.

در بین ۶۰ ضرب المثلی که موضوع تمثیل در آن‌ها نام خداوند و شخصیت‌های مذهبی و غیر مذهبی می‌باشد بیشترین فراوانی مربوط است به نام خداوند متعال (۴۸/۳٪). (همان: ۱۲۲).

در انتها باید به تحول اجتماعی ای که از اوایل قرن بیستم آغاز شد و موجب دگرگونی در روش زندگی و مشغولیات مردم شده اشاره کرد. نفوذ وسایل ارتباط جمعی باعث شده که بسیاری از مثل‌ها در نزد مردم متروک مانده و یا معانی خود را از دست بدهند؛ چنانچه بسیاری از امثال و اصطلاحات در ادبیات قدیم ما وجود دارد که امروز برای ما غیر قابل فهم هستند یا دست کم تا به کتابهای فرهنگ لغت مراجعه نکنیم فهم معانی اکثر آن‌ها برای ما مقدور نیست. هر چند این نگرانی در مورد مردم کرمان کمتر است اما وجود داشته و روز به روز هم در حال گسترش می‌باشد و بیم آن می‌رود که با ادامه این رویه آن مقدار از این گنجینه که باقی مانده به دست فراوشی سپرده شود.

پس بر تک تک ماست که این سرمایه گران بها را پاس بداریم و افکار و عقاید، آداب و رسوم، سنت‌ها و آداب دینی و اخلاقی گذشتگان را به دقت مورد مطالعه قرار دهیم انتقال و

ارزشسنجی میراث فرهنگی، وظیفه ما را در مقابل فرهنگ پایان نمی‌دهد، میراث فرهنگی را باید با توجه به ضرورت وجود وجهه ی عقلانی آن‌ها، در معرض آزمایش قرار داد. و آن چه که بیش از همه اهمیت دارد توسعه و پیشرفت این میراث است. زیرا افتخار نصیب ملتی است که بر آثار گذشتگان خود بیفزاید و در رشته‌های مختلف افکار، نظریات و آداب تازه ای به وجود آورد. در عین حال در انجام این امر، نباید خود را دست بسته تسلیم گذشتگان نمود بلکه باید براساس مطالعات دقیق علمی آثار گذشتگان را مورد ارزیابی قرار داد و ارزش این

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۸۸

میراث گرانقدر را تعیین نمود.

پس، توجه به گردآوری و تحقیق در فرهنگ عامه و بازتاب آن در فرهنگ عمومی علاوه بر روشن کردن وضعیت فرهنگ و تمدن اقوام گذشته میتواند ما را به بازیابی هویت فرهنگی خویش نیز رهنمون سازد.

جدول آوانگاری

م : m	آ : â
ن : n	آ : a
پ : p	اِ : e
ق-ق : q	ای : i
ر : r	اُ : o
س-س-ص-ث : s	او-ئو : u
ش : š	ب : b
ت-ط : t	چ : č
و : v	د : d
خ : x	ف : f
ی : y	گ : g
ز-ژ-ذ-ظ-ض : z	ه-ح : h
	ج : j
	ک : k
	ل : L

منابع

- ابریشمی، احمد (۱۳۷۷)، فرهنگ نوین مثل‌های فارسی رایج در کرمان: تهران: زیور. چاپ اول.
- احمدی، بابک (۱۳۷۱)، از نشانه‌های تصویری تا متن (نشانه‌شناسی ارتباط دیداری)، تهران: مرکز. چاپ اول.
- بقایی، ناصر (۱۳۷۰)، امثال فارسی در گویش کرمان هزاره نخست، کرمان: انتشارات کرمان شناسی. چاپ اول.
- بقایی، ناصر (۱۳۸۱)، امثال فارسی در گویش کرمان، کرمان: مرکز. کرمان شناسی.
- چندلر، دنیل (۱۳۸۵)، مبانی نشانه‌شناسی، تهران: سوره. چاپ اول.
- حافظ، (۱۳۶۲)، دیوان حافظ، ناتل خانلری، پرویز، تهران: انتشارات خوارزمی.
- دهگان، بهمن (۱۳۸۳)، فرهنگ جامع ضرب المثل‌های فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۲)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۹)، امثال و حکم، ج اول، تهران: امیرکبیر. چاپ یازدهم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳)، امثال و حکم، ج اول، تهران: امیرکبیر. چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، امثال و حکم، ج دوم، تهران: امیرکبیر. چاپ سیزدهم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، امثال و حکم، ج سوم، تهران: امیرکبیر. چاپ سیزدهم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، امثال و حکم، ج چهارم، تهران: امیرکبیر. چاپ سیزدهم.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، هویت ایرانی و دینی در ضرب المثل‌های فارسی، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۲، (پیاپی ۳۰).
- زنده دل، حسن (۱۳۷۷)، کتاب‌های جامع ایرانگردی، استان کرمان، تهران: نشر ایران گردی. چاپ اول.
- سالمی‌فیه، کیوان (۱۳۸۷)، نمادها و سنت‌های ایرانی، تهران: انتشارات زرین مهر. چاپ

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۹۰

دوم.

- ستوده، غلامرضا (۱۳۷۵)، مرجع شناسی و روش تحقیق تشارادر ادبیات فارسی ، تهران: انتشارات سمت

- سجودی، فرزانه (۱۳۸۲)، نشانه شناسی کاربردی، تهران: نشر قصه، چاپ اول.

- سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹)، فرهنگ نمادها ، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران:

انتشارات دستان. چاپ اول.

- سعدی (بی تا)، کلیات سعدی، تهران: انتشارات ایران.

- صائب: منصور، جهانگیر (۱۳۷۴)، دیوان صائب تبریزی، تهران: موسسه انتشارات

نگاه.

- شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۸۷)، فرهنگ نمادها، ج اول، ترجمه سودابه فضایی،

تهران: نشر جیحون. چاپ اول.

- شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۷۹)، فرهنگ نمادها، ج سوم، ترجمه سودابه فضایی،

تهران: نشر جیحون، چاپ اول.

- شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۸۵)، فرهنگ نمادها ، ج چهارم، ترجمه سودابه

فضایی، تهران: نشر جیحون، چاپ اول.

- شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۸۷)، فرهنگ نمادها ، ج پنجم، ترجمه سودابه

فضایی، تهران: نشر جیحون، چاپ اول.

- عقیقی، رحیم (۱۳۷۱)، مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم

هجری، تهران: سروش.

- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان شناسی تهران: نشر نی. چاپ

پنجم.

- کوپر، جی. سی (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادها، سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان،

تهران: نشر فرهاد. چاپ اول.

- معین الدینی، مریم (۱۳۸۱)، تحلیل مضامین اجتماعی ضرب المثل‌های رایج در شهر

کرمان، کرمان: نشر مرکز کرمان شناسی، چاپ اول.

تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های شهر کرمان با تکیه بر نماد و نشانه‌ها ۹۱

- مهرگان، آروین (۱۳۸۵)، دیالکتیک نمادها: پژوهش در ساخت غریزی ذهن، اصفهان: نشر فردا. چاپ دوم.

- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۷)، انسان، نشانه، فرهنگ، تهران: نشر افکار. چاپ اول.

- هینلز، جان راسل (۱۳۸۳)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، تهران: نشر

اساطیر. چاپ اول.

- Greck, Gregoire de Nysse, (1944), **la creation de l home**, Traduction de J.laplace, Paris, 1944.

Archive of SID

The Ethnological Analysis of Kerman's Proverbs Focusing on Symbol and Signs

Hossein Aghajani (Ph.D) *
Jafarzadeh Sodeh (MA) **

Abstract

Proverbs are main and fundamental parts of each language and also one of the oldest mind permeation of our ancestor which have root on national customs and traditions of society; certainly their collection, study, and consideration from viewpoint of symbol and signs is very important.

Purpose of this research is analysis of common proverbs of Kerman based on symbol and signs and shows used symbols in theses proverbs, which indicate culture and value of this region. So, we elected 58 symbols among 1000 proverbs that are collected from book of 1000 Persian proverbs "Kerman Dialect" in order to classify and analyze them and show their reflection on proverbs. The research was done in laboratory and document method and each proverb was elected as a unit of analysis. This research shows that the most symbols that use in Kerman proverbs are related to animals, nature, objects, touchable and common subjects. Animal symbols used for 2 reasons: 1) more using of animal by rural people because of their job 2) all kinds of people are familiar with animal and its meaning. Hard conditions of life in Kerman and art of Kerman's people in domesticate of them and using of these elements is reason of using nature symbols in these proverbs.

Key words: Proverbs, Symbol, Signs, Myth, Believes.

* Assistant Professor and Faculty Member-Islamic Azad University/Tehran Central Branch /
a-morsal333@yahoo.com

** MA in Demography-Islamic Azad University/Tehran Central Branch